

دوشنبه ۱ مهر ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۳۹۹۷	
 روزنامه هنر • روزنامه	
گفت‌وگو با محمدرضا شجریان به پاسداشت ۷۳سالگی‌اش	صفحه ۸
اسطوره موسیقی ایران، گفتاری از «فرهنگ شریف»	صفحه ۸
همه تلاش‌های یک صدر اعظم	صفحه ۱۰

گنبد مینا

هنر مند، قدر تی محبوب
شاید سنگ بنای آزادی‌گی و استغنا در موسیقی را عارف قزوینی نهاده باشد و حفظ شأن هنرمند مستقل، ارثیه‌ای بود که از شاعری نصیبش شده بود. شاعران سال‌ها پیش، پای از دایره قدرت بیرون نهاده و مخاطب مردم باذوق گشته بودند؛ اما نوازنده و خواننده تا آن زمان هنوز به حامی اشرافی متکی بودند و زینت‌المجالس آنان، عارف از جوانی تن زد که ندیم شاه و ارباب قدرت باشد و آگاهانه در فضای مساعد جنبش مشروطیت که احرار آرزو می‌کردند «مشتی رعیت» تبدیل به «ملتی آزاده» شود شاعر و آهنگساز و ترانه‌خوان ما به مردم روی آورد و در همه عمر جز بر قبول ملت و خواست مترقی آنها تکیه نکرد: «به زیر سایه دیوار نیستی است سرم رهنم منت هفت آسمان نخواهد بود».
همین‌جا بگویم که عارف به گمان من آخرین هنرمند شهپری است که با الگوی باستانی «گوسان‌ها» شعر و موسیقی و آواز را یک جا داشت. می‌دانیم باربد و نکبسا و رودکی چنگ‌نواز و حافظ «خوش‌آواز» شاعر – موسیقیدان بودند و این سنت هنوز در فرهنگ مردمی ما با بخشی‌ها و عاشیق‌ها ادامه دارد.
حفظ شأن هنرمند و استقلال او، پس از مشروطیت بین شاعران و اصحاب موسیقی و نقاشی و تئاتر سنتی شناخته شده بود و در اهل آرزوی موفقیت و سلامتی می‌کنم و امیدوارم سالیان سال صدای یگانه‌اش برای ایران- و ایرانی، که فرهنگش از صدای او جان می‌گیرد، جاودانه بماند. یکی از ویژگی‌های محمدرضا شجریان این است که از روز اولی که پا به عرصه هنر گذاشت طلبه بود و همواره، هر روز و هر لحظه برای فراگیری کوشش کرده است. هرگز فکر نکرد که کامل شده و بی‌نیاز از آموزش است. او همواره شیوه‌های جدید سازسازی را در این ۵۰سال محکم زده و همیشه توانسته به‌روز و تازه باشد. راجع به شیوه خواندن و آواز او باید بگویم که استاد شجریان از شیوه هر هنری این است.
من فرق می‌گذارم بین احوال شخصی هنرمند و آثار هنری که می‌آفرند. اگر شخص هنری یگانه و بی‌ماند آفریده باشد بد و نیک احوال شخصی او را در دآوری هنری‌ام دخالت نمی‌دهم، اما درنهایت من نیز چون بسیار کسان ترجیح می‌دهم آفرینشگری والای یک هنرمند از درون زندگی معتدل انسانی او سر بر کرده باشد. شجریان مانند هر هنرمند غریزی که خمیره از گوهر فرهنگ ملتش دارد، در طول زندگی همواره محکم از تاریخ تا زبانش بی‌الایش، منشی جامعه‌گرا و روشی جست‌وجوگر داشته باشد و چنان به اعتدال زندگی کند که هنر والای او را الگهای از سوسی طاعنان و مدعیان نیلایند. او زندگی را برای اعتلای هنرش می‌خواهد و هنرش را برای اعتلای فرهنگ مردمش و راه درست در هنر هنری این است.
در شجریان یک هنرمند پرقریحه تا حد نبوغ زندگی می‌کند عجب با یک پژوهنده خستگی‌ناپذیر که هشیارانه همه‌چیز را به معیار فرهنگ رصد می‌کند. آن قریحه عالی به تمامی شکوفا نمی‌شد اگر آن جست‌وجوگر بی‌تاب چندان برای رشد متوازن هنرمند چندین از جان مایه نمی‌گذاشت. کسالتی بوده‌اند که درحد حنجره و ظرفیت آوازی او موهبتی داشته‌اند اما آن پژوهشگر جامعه‌گرای سختکوش تعالی‌طلب را در ذهن خود کم‌داشته‌اند و ناگزیر جایی فرو افتاده‌اند. شجریان در طول و در عرض تاریخ ما دویده و یکدم نبایوده است. در طول تاریخ موسیقی ما سفر کرده و از غالب معاصران و استادان پیش از خود نه‌تنها آموخته بلکه اوج‌ها و ظرایف هنر آنان را درونی خویش کرده است، در عرض جامعه‌اش سیر و سلوک داشته، می‌دانسته اکنون و اینجا چه اتفاقی دارد می‌افتد و مردم از او به‌عنوان یک هنرمند چه می‌خواهند و آنچه او باید به‌صورت اثری نافذ و ماندگار به مخاطبانش بدهد چیست و بهترین کلام‌است؟ در گفت‌وگویی با استاد اشاره کردم: هنرمندان زیرک با مناسب‌خوانی، احوال جمع را خوش می‌کرده‌اند و شما به حس مناسب‌خوانی هنر، مناسب‌دانی را هم افزوده‌اید که می‌دانید این آفر فرهنگ این عصر، این ملت چه لازم دارد وواقع که در منتهای همت خود، بهترین هدیه‌ها را از دل و جان به آنها بخشیده‌اید.
هنرمند بذاته یک قدرت است، حافظ، شلاملو، پیکاسو، شجریان، بازاری هنرشان یک نهاد نیرومند اجتماعی – تاریخی‌اند. شاعر، سینماگر، موسیقیدان خود قدرت اجتماعی و معنوی‌اند و نیازی به قدرت دیگر ندارند. اقتدار منحصر به حکومت‌ها نیست، سرمایه‌داری اقتدار است، شهرت اقتدار است، افکار عمومی قوی‌ترین مقتدر است. هنرمندی که شأن هنر و منزلت خود رامی‌شناسد نه از سر غرور بلکه با خودآگاهی مبتنی بر هنرش می‌داند قدرتی است یگانه، با این تفاوت که هنرمند قدرتی محبوب است. معمولا هنرمند مستقل با استغنائی ذاتی‌اش بیشتر به مردم می‌اندیشد که سرچشمه قدرت‌اند و عرصه این قدرت پهنه تاریخ و مبارک بدانیم که مسام ایران‌زمین چنین فرزندی را زاییده است. نباید فراموش کنیم که در سال‌های سخت جنگ، این مرد بزرگ بهترین موسیقی‌ها را به سمع مردم می‌رساند و آلام داغ‌های‌شان بود. او همچنین با استفاده از دستگاه‌های اصلیل آوازی ایران و با خواندن اشعار بزرگانی چون سعدی و حافظ و همین‌طور خواندن رننا سبب شد تا فرهنگ اصیل ایرانی و عرفان حافظ و نصایح سعدی و... در طی این سالیان زنده نگاه داشته شود و جوان‌ها بتوانند با شنیدن قطعات او به ایرانی‌بودنشان افتخار کنند. به امید سلامتی و سربلندی این مرد بزرگ فرهنگ‌ایران‌مین.

دل‌ودل

یگانه صدایش برای ایران بماند
داوود گنج‌های

به بهانه سالروز تولد استاد محمدرضاخان شجریان، دوست و همکار ۵۰ساله و رفیق شفیق و عزیزدل و همین‌طور رییس شورایعالی خانه موسیقی، باید بگویم که بیش از ۵۰ سال است که با او رفاقت دارم و گمان می‌کنم که هر دو ما در این سالیان رفاقت، به‌فرهنگ اصیل و صدای ایران عشق ورزیده‌ایم و در کنار هم و در جوار سایر هنرمندان در خانه موسیقی که خانه عشق است کنار هم مشق عشق کرده‌ایم و سعی بر پاسداری فرهنگ این مرزوبوم داشته و داریم. برای او در این روز خجسته، آرزوی موفقیت و سلامتی می‌کنم و امیدوارم سالیان سال صدای یگانه‌اش برای ایران- و ایرانی، که فرهنگش از صدای او جان می‌گیرد، جاودانه بماند. یکی از ویژگی‌های محمدرضا شجریان این است که از روز اولی که پا به عرصه هنر گذاشت طلبه بود و همواره، هر روز و هر لحظه برای فراگیری کوشش کرده است. هرگز فکر نکرد که کامل شده و بی‌نیاز از آموزش است. او همواره شیوه‌های جدید سازسازی را در این ۵۰سال محکم زده و همیشه توانسته به‌روز و تازه باشد. راجع به شیوه خواندن و آواز او باید بگویم که استاد شجریان از شیوه



استادان بزرگ آواز ایران استفاده کرده است. ویژگی مهم دیگر او این است که همواره خودش را شاگرد دانسته و به همین سبب هرگز برای فراگیری از هیچ تلاشی دریغ نکرده است. بارها پیش آمده که در فستیوال‌های بزرگ کنار هم بنشینسته بودند و من دیدهام که او ضبط صوت کوچکی به همراه دارد تا اجراهای موسیقی مقامی و محلی را ضبط کند که بعدا هم بتواند از این اجراها بهره ببرد. او انسان والا و رفیق مهربانی است، همیشه می‌گوید که هر جا کمکی از من برپایید هستم. ما باید چنین روزی را بسیار میمون و مبارک بدانیم که مسام ایران‌زمین چنین فرزندی را زاییده است. نباید فراموش کنیم که در سال‌های سخت جنگ، این مرد بزرگ بهترین موسیقی‌ها را به سمع مردم می‌رساند و آلام داغ‌های‌شان بود. او همچنین با استفاده از دستگاه‌های اصلیل آوازی ایران و با خواندن اشعار بزرگانی چون سعدی و حافظ و همین‌طور خواندن رننا سبب شد تا فرهنگ اصیل ایرانی و عرفان حافظ و نصایح سعدی و... در طی این سالیان زنده نگاه داشته شود و جوان‌ها بتوانند با شنیدن قطعات او به ایرانی‌بودنشان افتخار کنند. به امید سلامتی و سربلندی این مرد بزرگ فرهنگ‌ایران‌مین.



عکس: مهدی حسینی، شرق

محمدرضا درویشی از استاد آواز و سازهایش می‌گوید

شجریان حلقه درخشان آواز ایران

اوج و فرودهای یک هنرمند

من دو آلبوم با آقای شجریان کار کردم که موسیقی‌اش را به‌طور مشترک با مرحوم پرویز مشکاتیان ساختیم، یعنی جان‌عشاق و گنبدمینا. هر هنرمندی دوران فرودوفراز بسیار دارد. آثار بنه‌هون را کنار هم بچینید به‌لحاظ کیفیت همه شبیه هم نیستند. آثار م‌توستر را هم کنار هم بچینید یک کیفیت ندارند. آثار ابوالحسن صبا و کلنل وزیری را هم کنار هم بچینید شبیه هم نیستند. این خصلت کار هنری است. آنهایی ماندگار می‌شوند که عیارشان بیشتر است. نه آنهایی که الزاما در یک مقطع کوتاه مورد اقبال مردم قرار می‌گیرند. مورد اقبال مردم قرار گرفتن معیاری برای ماندگاری یک اثر هنری نیست. یک اثر هنری وقتی در یک دوره طولانی ماندگاری خودش را حفظ کرد، یعنی عیارش بالا است. اینکه یک اثر هنری امروز نباید با یک تیراز سنگین مورد اقبال مردم قرار گیرد، اما دور‌اش شش‌ماه، یک‌سال باشد و بعد تمام شود، یعنی عیارش پایین است. اما یک اثر هنری که بعد از ۲۰، ۳۰سال هنوز بازار خودش را حفظ کرده یعنی عیارش بالا است. در کارهای آقای شجریان هم کارهایی ماندگار شدند که عیارشان بالاتر بوده است. این طلاها هستند که به‌سادگی کبود نمی‌شوند. در طول زمان درخشندگی خودشان را حفظ می‌کنند. بنابراین نمی‌شود از یک نوازنده و از یک آهنگساز و از یک خواننده انتظار داشت که آن چرا که بیرون می‌دهد همه با یک عیار باشد. در طول تاریخ در همه فرهنگ‌های شرق و غرب خواننده، نوازنده و آهنگساز آثاری را با عیارهای مختلف منتشر می‌کند. نباید به آن هنرمند بابت این خرده گرفت. این کاملا طبیعی است.

سازهای ابداعی با تنالیت‌های گوناگون

آقای شجریان بنابر فرمایش خودشان از حدود ۲۵سال پیش زمانی که سنتور می‌زدند، به سازسازی علاقه‌مند شدند. خودشان تعریف کردند آن زمان یک سنتور را باز کردند. آقای شجریان هم باهوش هست و هم کنجکاو. این دو خصلت اصلی ایشان است که به همایون هم منتقل شده است. کنجکاوی و ضرب هوشی بالا. او در آن زمان یک صفحه سنتور را باز می‌کند و می‌بیند که داخلش چه خبر است و پل‌ها کجا گذاشته شده‌اند. بعد از آن شروع به ساخت سنتور می‌کند. آن جواب نمی‌دهد دوباره می‌سازد. شاید ده‌ها سنتور می‌سازد. سازسازی را با سنتور آغاز کرده است. تا حدود ۱۵سال اخیر فکر ساختن سازهای ابداعی جدید به‌سرش زد. در باغی که نزدیک کرج دارند، کارگاه سازسازی راه‌اندازی کرد. خودش هم دست به ابزار است و کار با چوب را بلد است. سال‌ها سنتور ساخته



عکس: عباس کوشی‌شرق

نکاتی درباره سازهای ابداعی محمدرضا شجریان

رنگ و بوی ایرانی

ادعا ثابت نشود، ما صاحب کل موسیقی اروپا و جهان خواهیم بود. به‌نظرم این سازها از سازهای اروپایی تقلید شده‌اند و با گذاشتن پوست، رنگ ایرانی به خود گرفته‌اند.

سیم‌های این سازها خارجی هستند. با همه اینها وقتی از نظر کاربردی به

فرزانه ابراهیم‌زاده: نام‌های زیادی هستند که می‌توانند درباره استاد آواز ایران، کیفیت صدا و سازهایش صحبت کنند. اما در میان همه نام‌های بزرگ به‌نام محمدرضا درویشی که می‌رسی، نمی‌توانی به‌راحتی از آن گذر کنی؛ آهنگساز، پژوهشگر و در یک کلام کسی که سال‌های سال است در تبت و شناسندن موسیقی ایرانی وقت گذاشته است. درویشی هر چند تنها در دو آلبوم «جان‌عشاق» و «گنبد مینا» با شجریان و مرحوم پرویز مشکاتیان همکاری داشته است؛ با این حال از افراد نزدیک به‌استاد آواز است که دو مجموعه سیم‌رغ و شوق‌نامه را با همایون شجریان منتشر کرده و آنچنان که خودش گفته؛ در صحبتی که با محمدرضا شجریان داشته، قرار است ارکستری از سازهای ابداعی او را راه‌اندازی کند. وقتی با درویشی درباره شجریان به‌صحت نشستیم، او نه‌تنها از منظر یک موسیقیدان که از زوایای مختلف به‌صدای استاد آواز و سازهای ابداعی‌اش پرداخت. از همین‌رو ترجیح دادیم تا سوال‌های خودمان را حذف و تنها صحبت‌های آقای درویشی را در اینجا منتشر کنیم.

راز ماندگاری یک صدا

۱- ویژگی صدای یک خواننده را معمولا عطف به جنس صدا می‌کنند. این موضوع تا حدودی درست هست اما کافی نیست. یکی از عناصر مهم در صدای یک خواننده کیفیت صدا است. کیفیت صدا موروثی و خدادادی است، از طریق آموزش به‌دست نمی‌آید. پدر آقای شجریان قاری قرآن و بسیار خوش‌صدا بودند. صدای خوش پدر به‌استاد شجریان رسیده و همین میراث به‌همایون هم منتقل شده است. این باید به‌ذات در شخص وجود داشته باشد. خانواده شجریان این شانس را داشته که این کیفیت ذاتی در حد اعلا در صدای آنها است. بقیه خوانندگان با معمولی هستند یا معمولی خوب یا معمولی خیلی خوب هستند. ۲- نکته بارز دیگر نه در صدای که در وجود شجریان است، دانش موسیقی ایشان است، دانشی که ایشان هم از خوانندگان قدیم، از تاج اصفهانی و دیگران یا از طریق آواهایی که از سیدحسین طاهرزاده و اقبال آذر و سایر خوانندگان قدیمی از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به‌یادگار مانده بود و آنهایی که به‌صورت حضوری مکتبشان را درک کرد، کسب کرد. شجریان نه‌تنها روی صدای خوانندگان قدیمی کار کرده است، اکثفا به آنها نکرده و روی دانش موسیقایی نوازندگان نیز مطالعه کرد. چگونه است که محمدرضا شجریان می‌گوید: استاد معاصر من استاد جلیل شهناز است؟ این یعنی که به‌جز خوانندگان استاد، ایشان روی استادان نوازنده هم مطالعه پیگیری کردند.

۳- علاوه بر کسب معرفت موسیقایی، ایشان موفق به‌کسب معرفت نهفته در سینه استادان قدیمی شد. بیشتر نوازندگان و خوانندگان فقط به کسب دانش موسیقایی استادان اکثفا کرده‌اند و موفق به کسب معرفت نهفته در سینه آنها نشده‌اند.

۴- ممارست پیگیر و تمرینات سخت و نفسگیر و جانگاز را پشت‌سَر گذاشته است. امروز کمتر نوازنده و خواننده‌ای حاضر است که تن به این تمرینات سخت‌ونفس‌بر دهد و همه عمر و جوانی‌اش را صرف آنها کند. آقای شجریان هنوز هم در سن ۷۳سالگی مشغول این تمرینات باطنی و فیزیکی است.

۵- فروتنی ایشان در رفتار با هنرمندان دیگر است. ایشان به‌علت مشغله‌هایی که دارند و سفرهایی که به خارج از کشور می‌روند، وقت کمی دارند. به‌همین دلیل نمی‌توانند خیلی‌ها را بپذیرند. این باعث شده است که یک عده از دوستان جوان فکر کنند ایشان دماغش را بالا می‌گیرد یا خودش را می‌گیرد. اما اینطور نیست ایشان وقت ندارد. سرش شلوغ است.

حلقه‌های به‌هم متصل موسیقی آوایی

ایشان ۵۳سال است که به‌صورت حرفه‌ای آواز می‌خواند. از زمانی که در رادیو با نام مستعار سیلاووش، آوازخوانی کرده است. برنامه‌گلهای یک مجموعه برنامه موسیقایی بود که از گل‌های جاویدان و گل‌های حنجرایی و یک شاخه گل تحت عنوان کلی گلهای بود که آقای شجریان در همه این برنامه‌ها می‌خواند. آواز ایرانی یک زنجیره است. صدای محمدرضا شجریان شبیه هیچ خواننده‌ای در صدسال گذشته نیست. صدای تاج اصفهانی نیز شبیه هیچ کس دیگری نیست. صدای اقبال آذر هم منحصر به‌فرد است. صدای طاهرزاده و قمر هم شبیه هیچ‌کس نیست. ما نمی‌توانیم بگویم این صداها شبیه به‌هم هستند. اینها یک حلقه‌های زنجیر آواز ایرانی هستند. محمدرضا شجریان در ادامه زنجیره طلایی آواز ایرانی و درخشان‌تر از همه است.

	
بیژن کامکار خواننده و نوازنده دف	
آثاری که در نمایشگاه سازهای ابداعی استاد شجریان به نمایش گذاشته شده است، از هر نظر یک ارکستر کامل را تشکیل می‌دهند و صدای سوپرانو، باس، آلتو و... را دارند؛ هرچند مشکلاتی هم در کار هست.	
ادعای اینکه این سازها ایرانی هستند، خیلی بزرگ است یعنی اگر این	